

یادداشت

مدیریت خاموشی‌ها



احمدشیرزاد

چند روزی است که خوشبختانه خاموشی‌های برق متوقف شده است؛ البته تا جایی که ما خبر داریم. شاید برخی از ذهن‌ها دولت را به دلیل ناتوانی در تأمین برق خانه‌ها و صنعت شماتت کنند، اما من می‌خواهم به بُعد دیگری از مسئله بپردازم و دولت را به دلیل مدیریت نسبتاً خوب خاموشی‌ها تشویق کنم. شاید از این بابت تعجب کنید. می‌دانم که بخشی از افکار عمومی و شاید خوانندگان روزنامه‌ها از چنین ادبیاتی استقبال نکنند؛ ولی به هر تقدیر من وظیفه اخلاقی خود می‌دانم که آنچه تحلیل متصفانه و واقع‌بینانه به نظر می‌رسد را بیان کنم. بگذارید کمی عمیق‌تر به مسئله نگاه کنیم.

دولت‌ها نوعاً با دو دسته مسئله روبه‌رو هستند و باید آنها را مدیریت کنند. دسته اول پیش‌بینی‌های صحیح و برنامه‌ریزی‌های لازم برای آن است که مشکلی بروز نکند. به عنوان مثال ما باید بدانیم مثلاً برای ۱۰ سال آینده چه تعداد تخت بیمارستانی لازم داریم، چه تعداد از کلاس‌های درس‌مان نیاز به بازسازی ساختمانی دارند، چه تعداد معلم نیاز داریم، چه تعداد وسیله نقلیه سنگین باربری و مسافربری نیاز داریم و بالاخره میزان تولید برق در شبکه سراسری ما چند مگاوات باید باشد. متأسفانه نه‌فقط دولتمردان، بلکه تقریباً کل جامعه ما در این زمینه ضعیف عمل کرده است، ما عادت داریم تا وقتی خطر را در نزدیکی خودمان حس نکرده‌ایم به آن توجه نکنیم و وقتی در دودخمی ناپسامانی‌ها قرار گرفتیم احساس خطر کنیم و به جنب و جوش بپیفیم. یک عادت بد دیگر هم داریم و آن این است که اگر برخی از کارشناسان خبره و آنها که مخاطرات را از یک دهه قبل پیش‌بینی می‌کنند در موردی به ما هشدار دهند، می‌گوییم اینها تئوری‌های دانشگاهی است و گوینده در متن مشکلات اجرایی نیست. بگذریم.

اما از آن سو به جرئت می‌توانم ادعا کنم که ما ایرانی‌ها، هنگام بروز یک بحران یا مشکل حاد، در بسیج امکانات و سازماندهی نیروها برای مقابله با بحران بسیار کم‌نظر هستیم. نمونه بارز این امر برپایی فضای همدلی و همکاری عمومی مردم در رویدادهایی نظیر سیل و زلزله است که ما در آن استادیم. اوج این توان مقابله با بحران را در بسیج اجتماعی و مدیریت ایرانیان در همین جنگ ۱۲روزه اخیر دیدیم. برگردیم به بحث شش‌رین برق. واقعیت تلخ آن است که مجموعه رفتارهای ما (منظور از ما بخش‌های مختلف حکومتی مرتبط با ماجر است) در دو دهه گذشته در زمینه تأمین انرژی نامناسب بوده است؛ از سیاست قیمت‌گذاری انرژی گرفته تا نگاه به منابع مختلف انرژی و برآوردهای ناقص از نیازها. هرکدام از این ماجراها نیاز به تحلیل‌های مفصل کارشناسی دارد. اما به هر روی تابستان ۱۴۰۴ رسیدیم به نقطه اوج ناترازی در تولید و مصرف برق و شرایط به جایی رسید که خاموشی‌ها به قول پزشکian دیگر برای ما یک انتخاب نبود، بلکه واقعیتی گریزناپذیر بود. در چنین شرایطی این سؤال که «چرا خاموشی‌ها رخ می‌دهند؟» رافع مشکل فوری جامعه نیست و آن را باید نکه داشت برای پیش‌بینی‌های درست آینده. بلکه سؤال مهم و فوری این است که چگونه خاموشی‌ها را مدیریت کنیم که اولا کمترین مشکل برای حیات اقتصادی مملکت و زندگی مردم فراهم شود و ثانیاً بار مشکل فقط بر دوش یک بخش از جامعه نیفتد و به‌اصطلاح فشار مشکل عادلانه و یکنواخت بین مردم توزیع شود.

تا جایی که از مشاهدات کلی می‌توان دید، به نظر می‌رسد دولت پزشکian و به‌ویژه وزارت نیرو و بخشی‌های تخصصی آن تا حد زیادی از پس این مشکل برآمده‌اند. مطمئناً در جزئیات و در موارد خاص، مشکلات زیادی وجود داشته است. واضح است که چرا این اتفاق می‌افتد؛ چون خاموشی نوبتی وضعیتی استثنائی است که روال همیشگی زندگی مردم نبوده است. اما به هر حال ما سه، چهار ماه سختی را سپری کردیم. ماه‌هایی که جنگ ظالمانه و خانمان‌سوز صهیونیست‌ها را نیز داشتیم و در مقاطعی تمام توان کشور معطوف به دفاع از ایران بود. این موقعیت را باید به کل جامعه ایران تریک گفت. در جهان جامعه‌ای قدرتمند است که بتوان مقابله با بحران‌ها و تاب‌آوری عمومی در برابر مشکلات را داشته باشد. انصافاً ایران ما به بلوغ آشکاری در این زمینه‌ها دست یافته است. مجموعه مردم و مسئولان کشور هنگام بروز یک بحران به هم نمی‌ریزند و دست و پای خود را گم نمی‌کنند. سازماندهی‌ها از قبل انجام شده است و بخش‌های مختلف وظایف خود را خوب می‌شناسند. در عین حال باید امیدوار باشیم که با نگاه مدیریتی صحیح، تعداد بحران‌ها را به حداقل برسانیم. در زمینه خاص مسئله برق باید با همت و توان بخش‌های مختلف شرایطی را فراهم آوریم که خاموشی‌های ۱۴۰۴ آخرین خاطرات ما از بحران ناترازی انرژی باشد. ان‌شاءالله.

خبر

آملی‌لاریجانی: نمی‌توان با خواب و برداشت‌های سست، دین را تبلیغ کرد

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با هشدار نسبت به برداشت‌های غیرمستند در برخی منابع، تصریح کرد: نمی‌توان با خواب یا برداشت‌های سست، دین را تبلیغ کرد. تبلیغ باید اجتهادی و مستند باشد.

آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی در نخستین جلسه درس خارج اصول فقه سال تحصیلی جدید با اشاره به جنگ اخیر با اشاره به اتحاد مردم، جایگاه رهبری و استقامت نیروهای مسلح در برابر رژیم صهیونیستی، تصریح کرد: دشمنان گمان می‌کردند کشور ظرف چند روز متلاشی خواهد شد، اما مردم با وجود اختلاف سلیقه و مشکلات اقتصادی، در دفاع از وطن و اسلام یکپارچه شدند که همین اتحاد بزرگ‌ترین سلاح ملت برای کشور است. وی با بیان اینکه جنگ اخیر در حقیقت مواجهه مستقیم با آمریکا بود، ادامه داد: اسرائیل حیوان دست‌آموز آمریکاست. از حمایت واشنگتن نباشد، موجودیت این رژیم فرومی‌پاشد؛ همان‌طور‌که در روزهای چهارم و پنجم جنگ ۱۲روزه، آمریکا مجبور به دخالت مستقیم شد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به جایگزینی سریع فرماندهان شهید و اطمینان‌بخشی رهبری در اوج بحران، این تدبیر را نماد نصرت الهی خواند و گفت: این اعتماد به وعده خداوند است که دل‌های مردم را آرام و جبهه مقاومت را استوار نگاه داشت و مقام معظم رهبری با سخنان متقن و توصیه‌های الهی خویش در این جهت بسیار تأثیرگذار بوده‌اند.

وی همچنین با اشاره به نقش حوزه و تبلیغ دین و هشدار نسبت به برداشت‌های غیرمستند در برخی منابع، تصریح کرد: نمی‌توان با خواب یا برداشت‌های سست، دین را تبلیغ کرد. تبلیغ باید اجتهادی و مستند باشد، همان‌طور‌که در فقه و به پشتوانه مبانی اصولی با دقت استنباط می‌کنیم. این استاد حوزه افزود: جامعه امروز بیش از هر زمان نیازمند شناخت صحیح اسلام و ارزش‌های اخلاقی و عمل به آنهاست. روحانیت باید با دو بال شناخت دین و عمل دینی پرواز کند. هم باید در فهم کتاب و سنت بگویشیم و هم در اخلاق عامل باشیم.

عبدالرحمن فتح‌اللهی: صبح سه‌شنبه یکم مهرماه ۱۴۰۴، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، به منظور شرکت و سخنرانی در هشتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، با بدرقه رسمی محمدرضا عارف، معاون اول و حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسن قمی، معاون ارتباطات بین‌الملل دفتر مقام معظم رهبری، عازم نیویورک شد. رئیس‌جمهور در جریان این سفر، علاوه بر سخنرانی در صحن مجمع عمومی، با تعدادی از سران کشورهای شرکت‌کننده و دبیر کل سازمان ملل دیدار و گفت‌وگو خواهد داشت. به گفته مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهور، دکتر پزشکیان همچنین نشست‌هایی با اندیشکده‌ها، برخی مجامع و ایرانیان مقیم در نیویورک خواهد داشت تا دیدگاه‌های کشور را در عرصه بین‌المللی منعکس کند. هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل از اول مهر آغاز شده و تا دوشنبه هفتم مهر ادامه خواهد داشت. سخنرانی رئیس‌جمهور قرار است ساعت ۱۸ روز چهارشنبه برگزار شود.

پیش از عزیمت، رئیس‌جمهور در واکنش تلویحی به احتمال دیدارش با ترامپ اظهار کرد: «در صورت رفتار زورگویانه و قلدری طرف مقابل، گفت‌وگو امکان‌پذیر نیست و تنها تعامل مبتنی بر منطق و عدالت می‌تواند نتیجه‌بخش باشد.» او تأکید کرد: «در مذاکرات، رجسه به حق و انصاف شرط اساسی برای گفت‌وگوست». هم‌زمان، قرار شده که امروز (چهارشنبه) نشست مشترک وزیر خارجه ایران با همتائیان اروپایی، از جمله آلمان، فرانسه و انگلیس و با حضور مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در نیویورک برگزار شود.

این دیدارها فرصت نهایی برای بررسی مسائل هسته‌ای و توافقات بین ایران و اروپا قبل از نشست سران فراهم می‌کند. در این بین، وزارت خارجه آمریکا نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرد حرکت هیئت ایران را محدود کرده است و اجازه نخواهد داد ایران از مجمع عمومی برای تبلیغ دستور کار خود استفاده کند. در کل، سفر مسعود پزشکیان، همراه با رایزنی‌های وزرای خارجه و اقدامات دیپلماتیک هم‌زمان، مجموعه‌ای از تلاش‌های تهران برای مدیریت فشارهای بین‌المللی و تعمیق همکاری‌ها در حوزه‌های هسته‌ای و منطقه‌ای را نشان می‌دهد. این سفر، فرصتی برای تعاملات دیپلماتیک و ارائه دیدگاه‌های ایران در سطح جهانی است و نقش مهمی در شکل‌دهی به فضای سیاسی و دیپلماتیک پیش‌رو ایفا خواهد کرد.

معلق میان امید و ناامیدی

با نزدیک شدن به بازگشت تحریم‌ها و فعال‌سازی احتمالی مکانیسم ماشه، سفر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، به نیویورک برای شرکت در هشتادمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل به کانون توجه رسانه‌ها و تحلیلگران تبدیل شده است. بر این برهه کوتاه چند روز، فضای تحلیلی کشور به دو بخش تقسیم شده است؛ طیفی از ناظران امیدوارند که حضور فعال رئیس‌جمهور در صحن و حاشیه مجمع عمومی و همچنین دیدارهای دوجانبه و چندجانبه با سران کشورها، بتواند صدای حقانیت و مطالبات ایران را به گوش جهان برساند و فرصت‌هایی برای کاهش فشارها و پیشبرد مذاکرات فراهم کند. این گروه معتقدند حتی در چارچوب محدودیت‌های زمانی و دیپلماتیک، تلاش هوشمندانه تهران می‌تواند مسیر تعاملات منطقه‌ای و هسته‌ای را بهبود ببخشد.

در مقابل، گروه دیگری با تردید به این سفر می‌نگرند و بر این باورند که رفتار اروپا و آمریکا نشان‌دهنده زیاده‌خواهی و فشار حداکثری است. این طیف هشدار می‌دهد بازگشت تحریم‌ها و قطع‌نامه‌های شورای امنیت تقریباً قطعی است و غرب از این طریق قصد دارد ایران را به عقب‌نشینی‌های بزرگ‌تر و پذیرش امتیازات بیشتر، حتی در حوزه‌های غیرهسته‌ای، مجبور کند. از نگاه این تحلیلگران، فرصت‌های دیپلماتیک محدود و شکننده‌اند و هرگونه تعلل یا سوءتفاهم می‌تواند تهران را در معرض فشار شدید قرار دهد. از منظر کلان‌تر، سفر رئیس‌جمهور به نیویورک نمایانگر پیچیدگی و شکنندگی فضای دیپلماسی بین‌المللی است؛ آزمونی برای توان دیپلماتیک ایران و سنجشی برای ارزیابی واکنش غرب به فشارها و انعطاف احتمالی تهران در روزهای حساس پیش‌رو.

منصور حقیقت‌پور: اگر تحریم‌ها و قطع‌نامه‌ها بازگردند، کشور وارد بحران غیرقابل کنترل نمی‌شود

در سایه آنچه عنوان شد، منصور حقیقت‌پور در گپ‌وگفتش با «شرق»، نگاهی کلی‌تر به سفر مسعود پزشکیان به سازمان ملل دارد و تأکید می‌کند: «حضور رئیس‌جمهور در مقطع حساس و در روزهای منتهی به بازگشت تحریم‌ها، نه‌تنها نمادی از دیپلماسی فعال ایران است، بلکه فرصتی برای تثبیت موقعیت کشور در صحنه جهانی و مدیریت بحران‌های چندلایه خواهد بود.» با این حال نماینده ادوار مجلس، ضمن اعلان به «احتمال بالای بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه علیه ایران» به این باور است که «اگر در نهایت آقای دکتر پزشکیان و آقای دکتر عراقچی هم در جریان سفر به سازمان ملل نتوانستند کاری از پیش ببرند، کشور وارد بحرانی غیرقابل کنترل نخواهد شد. چون از منظر او: «تجربه بحران‌های قبلی در پرونده هسته‌ای نشان می‌دهد ملت ایران توانسته است تحت فشارهای اقتصادی و سیاسی مقاومت کند و اکنون نیز ظرفیت و توان لازم برای مواجهه با پیچیدگی‌های فعلی وجود دارد.» با توجه به این برداشت، حقیقت‌پور می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران و رئیس‌جمهورش از آرمان‌های خود عدول نخواهند کرد و هرگونه نرمش فقط در چارچوب دیپلماسی قهرمانانه قابل تصور است.»

نماینده مجلس نهم با اشاره به دیدارهای دوجانبه و

«شرق» از سفر رئیس‌جمهوری به نیویورک و مسیر دشوار پیش‌رو در آستانه بازگشت تحریم‌ها گزارش می‌دهد

گره نیویورک



چندجانبه در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل یادآور می‌شود: «این ملاقات‌ها بیش از سخنرانی‌های صحن عمومی اهمیت دارند، زیرا فرصت تحقق دستاوردهای عملی برای ایران را فراهم می‌کنند.» به گفته حقیقت‌پور: «رهبران نزدیک به ۲۰۰ کشور جهان در این اجلاس حضور دارند و امکان مذاکره مستقیم و ارائه دیدگاه‌های عملی به هریک از آنها فراهم است.» این فعال سیاسی ادامه می‌دهد که موقعیت رئیس‌جمهور در نیویورک نیازمند هماهنگی کامل با وزارت امور خارجه و لابی‌های بین‌المللی ایران است. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خاطرنشان می‌کند: «گفت‌وگوهای پیشینی کارشناسان و دیپلمات‌های ایران تعیین‌کننده نتیجه سفر هستند و بدون این مقدمات، هرگونه اقدام در صحن یا حاشیه سازمان ملل ممکن است محدود به گفتمان نمادین باشد.» حقیقت‌پور، با تأکید بر اهمیت اختیارات رئیس‌جمهور، توضیح می‌دهد: «موقعیت مذاکرات به میزان آزادی عمل و اختیار پزشکian بستگی دارد.» او به «شرق» می‌گوید: «محدودیت در اختیارات می‌تواند ظرفیت ایران برای مقابله با فشارهای بین‌المللی و جلوگیری از صدور قطع‌نامه‌های جدید علیه کشور را کاهش دهد.» او بر این باور است: «هماهنگی با شورای عالی امنیت ملی و کسب مجوزهای لازم از رهبری، پیش‌نیاز موفقیت هرگونه اقدام دیپلماتیک است.»

نودر شفيعی: موفقیت پزشکian، به دیدارهای دوجانبه و چندجانبه در حاشیه اجلاس سازمان ملل بازمی‌گردد

نودر شفيعی هم دیگر کارشناسی بود که در گفت‌وگو با «شرق»، سفر رئیس‌جمهور به نیویورک را «فرصتی معتبر اما مشروط برای کشودن گره‌های پیچیده سیاست خارجی ایران» توصیف می‌کند و می‌گوید «مجمع عمومی سازمان ملل فضای نمایی و نمادینی دارد که باید از آن فراتر رفت؛ سخنرانی در صحن عمدتاً گفتمان‌محور است، اما دیدارهای دوجانبه و چندجانبه در حاشیه اجلاس ظرفیت تولید نتایج عملی را دارند.» به باور او «موقعیت پزشکian در نیویورک در گرو آماده‌سازی دقیق و بهره‌گیری از این دو زمینه موازی است».

مدرس دانشگاه تهران با تأکید بر نقش جلسات حاشیه‌ای توضیح می‌دهد «مجمع عمومی تنها عرصه بیان دیدگاه‌ها نیست. رهبران و نمایندگان نزدیک به ۲۰۰ کشور را می‌توان در یک محل دید و در ملاقات‌های خصوصی موضوعات حیاتی را با جزئیات فنی و دیپلماتیک پیگیری کرد. در این دیدارها امکان پیگیری پرونده‌های ملی به صورت جدی‌تر و عملی‌تر وجود دارد و به‌همین‌دلیل پیام‌ها و گفت‌وگوهای رسمی باید با سازوکارهای پشت‌پرده و جلسات کارشناسی هم‌زمان شوند تا به خروجی ملموس منتهی شوند.»

تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل همچنین «بر لزوم برقراری دیالوگ‌های پیشینی میان کارشناسان و دستگاه دیپلماسی» تأکید می‌کند و باور دارد «باید گفت‌وگوهایی از سوی عراقچی و دیگر لابی‌ها پیش از آنکه پزشکian تهران را ترک کند، انجام شده باشد و طرفین با گزینه‌های واقع‌بینانه و متن‌های از پیش توافق‌شده وارد مذاکره شوند». بنابراین شفيعی هشدار می‌دهد «اگر وزارت امور خارجه و شخص وزیر قبل از عزیمت رئیس‌جمهور پیش‌زمینه‌سازی در قبال آمریکا و اروپا نکرده باشند، فرصت‌های حاشیه‌ای صرفاً به سخنرانی‌های نمادین تبدیل خواهد شد.»

مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی، موضوعات اصلی دستوراکد ریاست‌جمهوری در نیویورک را دوگانه می‌داند؛ از یک سو مسائل انسانی و سیاسی مربوط به فلسطین و فاجعه غزه و از سوی دیگر پرونده هسته‌ای که اکنون در آستانه بازگشت احتمالی قطع‌نامه‌ها قرار گرفته است. با چنین برداشتی، شفيعی ادامه می‌دهد «رئیس‌جمهور از جنبه حقوقی و سیاسی اختیار محکوم‌کردن تجاوزها و پیگیری تقووسی را دارد، اما اصل کار مقابله با مکانیسم‌هایی مانند استنپک و پیشرگی از صدور قطع‌نامه‌های جدید، مستلزم اقداماتی فراتر از سخنرانی است.»

نماینده ادوار مجلس در تشریح محدوده اختیارات رئیس‌جمهور خاطرنشان می‌کند «اختیار سیاسی تهران در عرصه بین‌الملل نپیم‌اند است و بخش مهمی از امکان عمل در این حوزه تابع تصمیمات کلان نظام است. ازاین‌رو چنانچه رویکرد کلی کشور به مذاکره با آمریکا محدود باشد، آن‌گاه دست پزشکian در پیگیری گفت‌وگوهای مستقیم یا غیرمستقیم محدود خواهد ماند. در چنین وضعیتی، موفقیت در نیویورک نیازمند هماهنگی داخلی و صراحت در مأموریت و اختیارات است.»

عضو کمیسیون اسبق امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس می‌افزاید «مسئولیت نتیجه‌گیری مذاکرات را باید میان طرفین تقسیم‌شده دید. به این معنا که حدود ۵۰ درصد از موفقیت به اراده و تحرکات تهران بستگی دارد و ۵۰ درصد دیگر به انعطاف و پاسخ‌گویی طرف‌های مقابل.» بنابراین او یادآور می‌شود «تحرکات دیپلماتیک باید هم‌زمان با فعال‌سازی شبکه‌های لابی و استفاده از کانال‌های غیررسمی دنبال شود تا دولت‌های ثالث را به تشویق طرف مقابل وادار کند.»

در جمع‌پندی نکات گفته‌شده، این استاد دانشگاه تهران تأکید می‌کند «سفر پزشکian اگر با برنامه‌ریزی پیشینی، مأموریت مشخص و اختیارات واضح همراه باشد، می‌تواند گامی مهم در بازگردن گره‌های کور سیاست خارجی ایران باشد؛ اما در غیاب این شرایط، احتمال دارد که سفر به یک سخنرانی بلند در صحن محدود شود و دست‌آورد عملی نداشته باشد». شفيعی در پایان متذکر می‌شود «زمان و فرصت‌ها محدود است و دستگاه دیپلماسی باید از همه ظرفیت‌های کارشناس‌محور و شبکه‌های تأثیرگذار بهره‌برداری کند تا نتایجی فراتر از بیان ظاهری مواضع به دست آید.»

خبر

رهبر انقلاب: اتحاد ملت ایران در جنگ دوازده‌روزه دشمن را ناامید کرد

به گزارش خبرگزاری تسنیم، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در گفت‌وگوی تلویزیونی با مردم، به بیاناتی درخصوص اتحاد ملت ایران، غنی‌سازی و مذاکره با آمریکا پرداختند. برخی مهم‌ترین محورهای سخنان ایشان به شرح زیر است:

– شادباش عرض می‌کنم ورود ماه مهر را، ماه مهر ماه درس و مدرسه، دانش و دانشگاه است. ماه مهر ماه آغاز حرکت میلیون‌ها جوان و نوجوان و نونهال به سمت دایایی و توانایی است. این خصوصیت ماه مهر است.

– بنده به مسئولان عزیزمان، مسئولان به‌خصوص مسئولان آموزش و پرورش و وزارت علوم و بهداشت و درمان توصیه می‌کنم که ارزش و اهمیت استعداد جوان ایرانی را همواره مورد نظر داشته باشند. جوانان ایرانی استعدادهشان را در دانش و در بسیاری از مسائل دیگر زندگی نشان دادند.

– من اینجا این آمار را بخوانم: در رقابت‌های مختلف دانش‌آموزان جهان در همین اواخر با حوادث جنگ ۱۲روزه و این چالش‌هایی که وجود داشت، ۴۰ مدال رنگارنگ را دانش‌آموزان ما کسب کردند که از این ۴۰ مدال، ۱۱ تا مدال طلا بود. اینها خیلی اهمیت دارد، ارزش دارد. در المپiad نچوم رتبه اول را به دست آوردند در دنیا در بین کشورهای شرکت‌کننده بین‌المللی، در رشته‌های دیگر هم رتبه‌های خوبی را به دست آوردند. در ورزش هم، عرصه ورزش هم که خب این روزها دارید می‌بینید، قبلاً والیبال، بعد هم حالا کشتی این جوان‌های ما این جورانه. جمدالله استعدادهای این استعداد فوق‌العاده‌ای است. از این بایستی استفاده کرد.

– لازم می‌دانم این روزها به مناسبت سالگرد شهادت مجاهد کبیر شهید سید حسن نصرالله یادی از ایشان بکنم، سید حسن نصرالله ثروت عظمی بود برای دنیای اسلام، نه فقط برای تشیع، نه فقط برای لبنان، برای دنیای اسلام ثروتی بود. البته این ثروت از دست نرفته. ثروت باقی است. او رفت، اما این ثروتی که او ایجاد کرده بود، این ثروت باقی است.

– داستان حربه‌الله لبنان، داستان دنباله‌داری است. نباید حزب‌الله را دست‌کم گرفت و نباید از این ثروت مهم غفلت کرد.

این ثروتی است برای لبنان و برای غیرلبنان.

– در مورد اتحاد ملت ایران، اولین حرف من این است که در جنگ ۱۲روزه اتحاد

ملت ایران، یکپارچگی ملت ایران، دشمن

به خصوص عوامل آنها دست‌بزنند به آشوب واغتشاش و مردم را، افرادی را که

می‌توانند، بشکند به خیابان‌ها، حادثه‌ای

درست‌کنند به وسیله مردم علیه جمهوری

اسلامی. این هدف بود. هدف بنابراین

جمهوری اسلامی بود.

– غرض دشمن، زدن فرماندهان نبود.

این یک وسیله بود. دشمن با خودش فکر

کرده بود که فرماندهان نظامی را بزند، بعضی شخصیت‌های مؤثر نظام را بزند، در

کشور اغتشاش به وجود بیاید و در تهران

به خصوص عوامل آنها دست‌بزنند به آشوب واغتشاش و مردم را، افرادی را که

می‌توانند، بشکند به خیابان‌ها، حادثه‌ای

درست‌کنند به وسیله مردم علیه جمهوری

اسلامی. این هدف بود. هدف بنابراین

جمهوری اسلامی بود.

– هدف دشمن، مختل‌کردن نظام بود

که من در یک صحبت دیگری گفتم که

اینها حتی برای بعد از جمهوری اسلامی

نشسته بودند، نقشه کشیده بودند و فکر

کرده بودند. می‌خواستند فتنه درست‌کنند،

فتنه‌های خیابانی درست‌کنند، دسته‌جاتی

را راه بیندازند و ریشه استبداد را در کشور

بکنند. این هدف دشمن بود.

– خب این هدف در همان قدم‌های

اول شکست خورد، اما سرداران و اینها

که بلافاصله تقریباً جایگزین شدند، کسانی

جایگزین آنها شدند و وضع و نظام و ترتیب

واقعه نیروهای مسلح با همان استحکام

و با روحیه بالاتر باقی ماند.

– اما مردم که مؤثرترین عنصر مردم

بودند، مردم مطلقاً تحت تأثیر آنچه که

دشمن می‌خواست قرار نگرفتند. تظاهراتی

به وجود آمد، خیابان‌ها پر شد، اما علیه

دشمن، نه علیه نظام اسلامی.

– کار را مردم به جایی رساندند که

دشمن، آن کسانی که در بیرون مرزها

هستند، به عوامل خودشان گفتند

بی‌عرضه‌ها، ما دیگر چه کار می‌توانستیم

برای شماها بکنیم که نکرديم؟ زمینه‌ها را

فراهم کردیم، بمباران کردیم، عده‌ای را ترور

کردیم، کشتیم، چرا کاری نمی‌کنید؟

متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در

سایت شرق منتشر می‌شود.